

دادرسی فعال را بازی می‌کند، شروع می‌کند به جمع‌آوری ادله برای کشف حقیقت. نفرسوم، طرف شکایت است. طرف شکایت نماینده نفع بخش خاص دولت است نه لزوماً نماینده نفع عمومی و نه لزوماً نماینده نفع عام دولت، ولی برای نمایندگی نفع عام دولت مقام دیگری در دادرسی اداری در فرانسه است، آن کمیسیون دولتی است. به مثابه نماینده دولت آنجا می‌آید منافع دولت، پالیسی‌های دولت استدلال عام دولت برای دادرسی اداری مطرح می‌کند (نقش پنجم مربوط به دادرسی منافع است). اگر بخواهیم به سمت دادستانی اداری برویم باید اساساً دادرسی اداری را به سمت ماهیت واقعی خودش ببریم؛ حتماً باید دادرسی ماهیت دو مرحله‌ای داشته باشد. حتماً باید مرحله تحقیق داشته باشد.»

در ادامه جلسه حجت‌الاسلام دکتر امیررضا دهقان‌نیا، معاون قضایی محاکم عمومی و انقلاب تهران گفت: «وقتی ساختارهای متعددی از قوه قضاییه را بررسی می‌کردم می‌دیدم ساختارهای متعددی وظیفه احیای حقوق عامه را در نظام جمهوری اسلامی را عهده‌دار هستند و اتفاقاً پراکندگی بسیاری در این حوزه داریم.»

### عبارات فقهی مرتبط با حقوق عامه

حجت‌الاسلام دهقان‌نیا پیرامون عبارات فقهی مرتبط با موضوع بیان داشت: «ما وقتی در عبارات فقهی در حوزه حقوق عامه نگاه می‌کنیم می‌توانیم بگوییم حقوق عامه یک مفهوم کاملاً اصیل و جدی فقه اسلام است. بسیاری از فقها به‌عنوان یک نهاد مسلم فقهی بحث حقوق عامه را در کتب فقهی‌شان مطرح کردند، تحت حقوق عامه للمسلمین یکون علی الوالی المحافظه علیها و تفتیش عن حقیقه الحال عند الشک فیها... و مصادیق متعدد آن. تعریفی که بخواهیم عرض کنیم ناظر بر مجموعه حقوقی است که خداوند برای همه انسان‌ها در جامعه در نظر گرفته و باید از طریق قواعد فقهی مانند قاعده تسلیط، لاضرر، حریت، احترام، صحت و نهادهای متعدد دینی مانند حسبه حفظ و تضمین شود. هر چند در پیش‌نویس سیاست‌های کلی احیای حقوق عامه تشخیص مصلحت نظام مصوب سال ۸۸ این حقوق عامه به برخی از حقوق مورد تصریح در قانون اساسی محدود شده است. آنچه در مبانی فقهی در خصوص حقوق عامه داریم

بیش از آن است که در قانون اساسی خودمان به آن تصریح شده است.»

### فقدان نظارت؛ فقدان حاکمیت قانون

وی در بیان ضرورت نظارت بر دستگاه‌های اجرایی افزود: «به قدری که موضوع نظارت بر دستگاه‌های اجرایی مهم است که در برخی از اندیشه‌ها، نبود نظارت را به نبود حاکمیت قانون تعبیر می‌کنند. پس واقعاً یک بعدی از ابعاد اصلی حاکمیت قانون، در بخش نظارت قضایی و قانونی است که پررنگ می‌شود. ما جایی نداریم که بر مصوبات دولتی نظارت اداری برای تأمین منافع حقوق عامه بر اساس اصولی که در آن تعریف کردیم داشته باشیم. به واسطه این خلأ و کارکرد ذاتی که دیوان عدالت اداری در احیای همان حقوق دارد ما نیاز به مقام دادستان برای رصد مراقبت و نظارت داریم.»

دکتر ملک‌شاهی قاضی دیوان عالی کشور سخن خود را با طرح یک سؤال آغاز کرد و گفت: «آیا ما واقعاً الان از جهت مقام پیگیر حقوق عامه مشکل داریم یعنی واقعاً مقامی که به صورت قانونی این اختیار را داشته باشد که اگر حقی از حقوق عامه تضییع شد، در کشورمان در قوانین ما پیش‌بینی نشده و کسی نیست پیگیری کند. یا اینکه ما بعضی از موضوعات مهمی مثل همین حقوق عامه و نظارت را تعریف نکردیم و قوانین مناسب و متناسب با این‌ها را ننوشتیم. به نظر من اگر بیشتر روی این موضوع صحبت شود که ما به یک ضرورت برسیم که کدام یک از این‌ها ضرورت دارد و چه نقضی داریم که آن را برطرف کنیم. چه طبیعتاً به دنبال این هستیم که الان یک نقضی که موجود هست آن را بتوانیم برطرف کنیم.»

### تفکیک نظارت از اجرا؛ یکی از چالش‌ها

وی در ادامه تأکید کرد: «بحث نظارت یک مقوله بسیار پیچیده است که بیشتر در بحث نظارت در عمل با موضوع اجرا تداخل پیدا می‌کند. یکی از مشکلات اساسی همین است. چند سالی که ما در مجلس بودیم بارها بحث قانون بازرسی کل کشور که مطرح می‌شد؛ در نهایت اصلاحاتی که انجام می‌دادیم در این اواخر دوره قبل، یک عده‌ای دنبال این بودند که اختیارات سازمان بازرسی را محدود کنند می‌گفتند که مرز نظارت و اجرا مشخص

نیست و این‌ها در اجرا دخالت می‌کنند. مثال‌هایی می‌آوردند در جایی می‌گفتند یکی از آقایان صحبت می‌کرد حقوق دان هم بود نماینده هم بودند، که ریزش کوه موجب شده جاده ترانزیتی بسته شده، می‌خواستند به فوریت مسئولین اجرایی آن را باز کنند، آقایان نظارت گفتند مناقصه برگزار نشده، باید مناقصه برگزار شود. بنابراین الان بحث مرز نظارت بر اجرا را قانون نتوانسته خوب تبیین کند، تشخیص بدهد کسی که بخواهد این را اجرا کند، تا کجا مرز نظارت و تا کجا مرز اجرا هست.»

### فرض‌های مختلف تعبیه دادستان اداری

در ادامه جلسه دبیر نشست در تشریح فرض‌های ممکن تعبیه نهاد دادستان اداری یادآور شد: «یکی از پیش‌فرض‌ها این است که کلاً نهادی مستقل ایجاد شود. در کنار دادستانی کل یک دادستان اداری داشته باشیم و همه وظایف دادستان اداری که دعاوی‌ای هست که علیه دولت مطرح می‌شود، یعنی تخلفات اداری دولت که موجب تضییع حقوق عمومی می‌شود آن نهاد انجام دهد. فرض دیگر ذیل دادستانی کل است، حالا با یک عده عهده‌ای که پیش‌بینی می‌شود در کنار دادستانی‌های مرکزی یا در شهرستان‌ها با توجه به وظایفی که در آیین دادرسی کیفری پیش‌بینی شده ولی باز همان ایراد عدم علم دادستانی کل به مباحث حقوق اداری وجود دارد که به نوعی باید با قانون پوشش داده شود. سومین نهادی که امکان پیش‌بینی‌اش است سازمان بازرسی است. ایرادی که دارد این است که نهاد قضایی نیست و در کنار دادگاه نیست.»

دکتر پیرزاده مدیرکل حقوقی و امور مجلس دیوان عدالت اداری در ادامه این جلسه گفت: «چون عنوان بحث هم نشست دادستان اداری در نظارت بر اداره، حفظ و احیای حقوق عامه است، در خصوص مسایل کیفری و این مسایل که بحث نقض قوانین و مقررات در حوزه حقوق عامه هست، قوانین و مقررات ما آیین دادرسی ما قانون مجازات، دادستانی کل، دادسراها، محاکم کیفری، سازمان بازرسی کل کشور، به نظر می‌رسد این‌ها وظایف و اختیار یا مقررات خاص خود را برای رسیدن به این هدف که احیای حقوق عامه تضمین اصل حاکمیت قانون و تضمین حقوق شهروندان هست، به نظر دارند.»